شعر و خط ملک الشعراء بهار

کتابخانهء مجلس شواری ملی یکی از غنی‏ترین مراکز کتب خطی فارسی است و این‏ نعمت در زمان ریاست آقای مهندس ریاضی و بهمت ایشان ارزانی شده است.

در اصفهان روزی در خدمت آقایان مجتبی مینوی،سپنتا،دکتر فاروقی،دکتر هنرفر،سروش و تنی چند از دانشمندان آن شهر بودیم یکی از حاضران گفت چند ماهی‏ است که کلیمیان و دلالان کتاب،بطرق مختلف کتابهای خطی را خریداری میکنند و به مجلس‏ میفروشند و اینها اغلب کسانی بودند که کتابها را برگ،برگ به خارجیان میفروختند و بالنتیجه‏ کتب خوب خطی از مملکت خارج میشد و در موزه‏ها و کتابخانه‏های بزرگ خارج جای میگرفت‏ و اکنون در مخزن کتابخانه مجلس محفوظ می‏ماند.

سال گذشته مجموعهء خطی ملک الشعراء بهار نیز از طرف مجلس خریداری شد و چند صد کتاب خطی به هزاران کتاب دیگر در گنجینهء مجلس افزوده گشت.

مرحوم بهار مانند اغلب شعرا و نویسندگان در حواشی کتابهای خود یادداشتهائی‏ نوشته که اغلب نیز خواندنی و جالب است و ذیلا سطوری را که ایشان در صفحه اول و آخر یکی از کتابهای خطی خود نوشته است نقل میکنیم.

هو

تعالی اله زهی پاکیزه دفتر که می‏ارزد بسیصد(بچندین)گنج گوهر سه دیوانست اندر وی نبشته‏ امامی و ظهیر و مجد همگر بهار آنرا خرید و گشت مفقود بصد زحمت خریدش بار دیگر

این نسخه را شخصی خلیل نام خزان‏ تخلص اردبیلی که روزی بقول خود او چند مثقال تریاک خام میخورد و بتشویق‏ من بمداوا و ترک این زهر جان گزای‏ مشغول بود و برای من کتابت میکرد با چند کتاب چاپی دزدید و ببازار فروخت‏ و خود نیز روی نهفت و بزحمت و برحسب اتفاق این نسخه را شخصی دیده‏ و آنرا نزد من آورد و بار دیگر خریداری‏ شد.حرره بهار غفرله.

هو الله تعالی

این کتاب را یکبار از کتابخانه ترقی‏ خریداری کردم و چند روز قبل خلیل‏ اردبیلی متخلص به خزان آنرا دزدید و بار دیگر آنرا از کتابخانه مروج‏ خریداری کردم حرره ملک الشعراء بهار.